
سوگواری بر
امام حسین علیه السلام
سیداحمد موسوی

بسم الله الرحمن الرحيم

سوگواری بر امام حسین (علیه السلام)

نویسنده:

احمد موسوی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

سوگواری بر امام حسین علیه السلام

مشخصات کتاب

زبان: فارسی

نویسنده: سید احمد موسوی

ناشر: سید احمد موسوی

نوع فایل: PDF

تعداد صفحات: ۲۵

حجم کتاب: ۳۵۶ کیلوبایت

مقدمه

فاجعه خون بار و غم انگیز شهادت سرور شهیدان، حضرت امام حسین (ع) اثری عمیق و تألمی جبران ناپذیر بر دل های امت اسلامی و آزاد اندیشان جهان نهاد.از روز دهم محرم سال ۶۱ ه.ق که این حادثه دل خراش روی داد تاکنون، امت اسلامی و دوست داران آن حضرت، در شهادت مظلومانه او و یارانش و اسارت اهل بیت گرامی پیامبر عزادار بوده و اشک ماتم ریخته اند.تشکیل مجالس سوگواری و خواندن مرثیه و نیز سرودن شعرهای جانگدازی که بیان کننده مظلومیت و حقانیت آن امام و منعکس کننده جنایت های بی نظیر و قساوت قلب دشمنان آن حضرت باشد، همواره از سوی مسلمانان مورد توجه بوده و اکنون به صورت، یکی از کهن ترین «سنت»های تغییرناپذیر الهی در آمده است.بسیاری از حرکت های عظیم اجتماعی در تاریخ بشر (پس از شهادت امام حسین (ع)) از نهضت بزرگ امام حسین الهام گرفته و از همین مجالس آغاز شده است.سنت سوگواری بر امام حسین و یارانش از آغازین روزهای پس از شهادت آن امام همام پای گرفت و روز به روز بر غنای آن افزوده گشت.مرحوم شیخ مفید در کتاب «مجالس» و شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی در کتاب «امالی» در روایتی که سلسله سند آن به صورت پیوسته به ابراهیم بن راجه می رسد، می گویند: «نخستین کسی که در شهادت حسین بن علی (ع) مرثیه خواند، (مردی) از قبیله بنی سهم بن عود بن غالب بن عقبه بن عمرو السهمی بود.از سروده های او در «رثای» امام حسین این است: مررت علی قبر الحسین به

کربلا ففاض علیه من دموعی غزیرهاو مازلت أرثیه و أبکی لشجوه و یُسْعِدُ عینی دمْعُها و زفیرُهاو بکیت من بعد الحسین عصایبا أطافت به من جانِبَیْها قبورُهاسلام علی اهل القبور به کربلا و قل لها منی سلامٌ یزورهاسلام بآصال العشی و باالضحی تؤدیه نکباءُ الریاح و مورها...»در کربلا به آرام گاه حسین (ع) گذر کردم. پس از چشمانم آبی بسیار جاری شد. تا زنده ام، برای حزن و اندوه حسین مرثیه می خوانم و اشک چشم و ناله هایم مرا یاری می کند. پس از حسین (ع) بر یاران او می گریم، آنانی که قبرهایشان به واسطه حسین از دو سمت طواف می شوند. سلام بر شهیدان گورستان سرزمین کربلا و بر اهل آن قبرستان، از من به آنان سلامی بازگو کن که آنان را زیارت کند. سلام به هنگام عصر، شب و روز در هنگامی که بادهایی از شمال شرقی می وزد و غباری که از باد برمی خیزد، آن را می رساند.»برخی از منابع، اشعار دیگری از شاعر یاد شده، نقل کرده که محتوای آن نشان می دهد در روزهای نخستین شهادت امام و پیش از به خاک سپرده شدن اجساد مطهر، آن را سروده بوده است.با گذشت زمان، برپایی مجالس سوگواری و سرودن شعر در رثای امام حسین (ع)، روز به روز قوت می گرفت.شاعران نام داری چون فرزدق، کمیت، دعبل خزاعی و... و اندیشه ورانی چون سیّدرضی، سید مرتضی، سید بحرالعلوم و دیگر صاحب نظران اسلامی چون اسماعیل بن عباد، خالد بن معدان، ابن حماد، ابومنصور بن علی القطیفی معروف به قطان، عبدالسلام بن محمد قزوینی بغدادی، صاحب بن عباد، عطیه کوفی، سفیان صوری، نقیب بغدادی، ابوالحسن علی بن احمد جرجانی و

ده ها صاحب نظر دیگر که بیشتر آنان از اهل سنت و جماعت هستند، اشعار سودمندی در رثای امام حسین (ع) سروده اند.پیشوایان مذهب های فقهی چون امام ابوحنیفه، امام شافعی، امام مالک و امام احمد بن حنبل و شاگردان برجسته آنان، در عزای سرور شهیدان مرثیه خوانده اند. امام شافعی در سوگ امام حسین (ع) اشعاری سروده است که بخشی از آن را یاد می کنیم: «تـأوَّه قلبی و الفواد کئیب و أرّق نوعی و السُّهادُ عجیب و ممّا نضى جسمی و شیَّب لمتی تصاریف ایام لهن خطوب فَمَن مُبْلِغ عنّی الحسین رسالَه و ان کَرِهتها انفس و قلوب ذبیح بلا جرم کأن قمیصه سبیغ بماءٍ الأُرجوان خضیب فللسیف إعوال و للرُّمح رَنّه و للخیل من بَعْدَ الصَّهیل نحیب تزلزلت الدنیا لال محمد و کادت لهم صم الجبال تذوب و غارت نجوم و اقشعرّت کواکب و هتک استارٌ و شق جیوب یصلی علی المبعوث من آل هاشم و یغزی نبوه ان ذا لعجیبقلبم آه کشید و دلم اندوه گین گردید. خوابم به بیداری منجر گردید و بیداری من عجیب بود. آنچه بدنم را لاغر کرد و موی سفیدم را سفیدتر نمود، حوادث روزهایی بود که بسیار دشوار و ترس آور است. پس چه کسی از من به حسین (ع) درستی رسالت او را می رساند؟ گرچه نفس ها و قلب ها(ی ناپاک) از آن کراهت دارد. کشته شده بی گناهی که پیراهنش با رنگ قرمز(خون بدنش) رنگین و خضاب گردید. پس برای شمشیر گریه ای با صدای بلند است و برای سر نیزه، نوحه و زاری و برای اسب ها ناله ای است. دنیا برای آل محمد به زلزله آمد، کوه ها برای آنان ندبه می کنند. ستاره های در ماتم و غوغا فرو رفته اند و

موی بر تن کواکب راست شده و جامه بر تن دریده و گریبان چاک کرده اند. بر فرستاده شده ای از آل هاشم درودی می فرستند و با فرزندان او می جنگند. این عجیب است. اگرگناه من دوستی آل محمد است، پس هرگز از این گناه توبه نمی کنم. آنان شفیعان من در روز محشر هستند، هنگامی که برای نگاه کنندگان، دشواری من آوری باشد.سوگواری بر امام حسین (ع) تنها به آدمی زادگان اختصاص ندارد، بلکه جنیان نیز در ماتم آن شهید بزرگ عزاداری کرده و اشعاری سروده اند.متفکر شهید مرتضی مطهری در این باره گوید: «در قمقام، صفحات ۵۰۹ تا ۵۱۳، قسمت زیادی از مراثی جنی ها به صورت شعر نقل شده است.»خاندان رسالت و پیشوایان معصوم شیعه نیز، بی تردید از ترویج کنندگان اصلی این سنت بوده اند. روضه های سوزناک حضرت زینب کبرا (س) و امام سجاد (ع) در دوران اسارت و پس از آن و نیز برگزاری مراسم سوگواری توسط امام باقر و امام صادق (ع) سند زنده این حقیقت است.از آنچه که بیان شد به خوبی فهمیده می شود، سنت سوگواری بر شهدای کربلاء از اوّلین روزهای بعد از حادثه آغاز شده و تا این زمان، لحظه به لحظه بر شور و حال آن اضافه گردیده است.بسیاری از بزرگان و صاحب نظران اسلامی – از فرق مختلف – در گسترش این سنت تلاش ورزیده و همواره به آن اهتمام داشته اند. اما در عین حال، برخی از دشمنان آل پیامبر (ص) که همیشه در تلاش بوده اند تا انوار الهی را خاموش نمایند، در کنار بعضی دیگر از عقاید دینی مذهبی مسلمین، سنت سوگواری بر امام حسین (ع) را نیز زیر سئوال

برده اند.در میان این دسته، احمد تقی الدین ابن تیمیه که پایه گذار مبانی فکری و اعتقادی وهابیت بود، بیشترین لجاجت را به خرج داده است.ما در این نوشتار، نگاهی گذرا به دیدگاه ابن تیمیه (به عنوان علم دار مخالفت بااین سنت) و پیروان او می پردازیم. آن گاه به طرح مسئله سوگواری بر امام حسین می پردازیم و در آن از «جایگاه» سوگواری در کتاب و سنت، «سوگواری بر امام حسین در متون معتبر شیعه و سنی» سخن خواهیم گفت.

دیدگاه مخالفان سوگواری

«احمد تقی الدین ابن تیمیه» از جمله کسانی است که بیشترین مخالفت را با برگزاری سوگواری بر امام حسین ابراز کرده است.او برای این که عزاداری بر امام حسین را بدعت نشان دهد و حکم به حرمت آن کند، اصل قیام امام را زیر سوال برده است. ابن تیمیه معتقد است نهضت حسین (ع)، حرکتی فاسد و در جهت هوای نفس بوده است. همچنین ابن تیمیه دفاعیات سرسختانه و محکمی از یزید بن معاویه در خصوص به شهادت رساندن امام حسین (ع) انجام داده است.ابن تیمیه و پیروانش، برگزاری هرگونه جشن و سرور در ولادت های پیشوایان دینی و شخصیت های برجسته و نیز عزاداری برای ارتحال آنان (حتی شخص رسول اکرم (ص)) را حرام و بدعت در دین می پندارند. اما درباره برپایی مجالس عزاداری برای امام حسین و اهل بیت آن حضرت حساسیت بیشتری نشان داده اند.ابن تیمیه، عزاداری بر امام حسین (ع) را با دلایل زیر بدعت و حرام دانسته است: ۱- از آن جا که مطلق عزاداری ها برای شهید یا متوفا به منزله پرستش و عبادت آن شخص است، عزاداری برای امام حسین نیز همان حکم حرام را دارد.۲- چون عزاداری بر

حسین از اعمال شیعه است و از طرفی تمام عقاید و کردار شیعیان باطل و خارج از تعلیمات دینی است، این عمل نیز هم چون سایر اعمال آنان بدعت و باطل است.۳- چون قیام امام حسین در برابر یزید، امر مطلوب و شایسته ای نبود، بلکه مفاسدی را به همراه داشت؛ از این رو، عزاداری بر امام حسین جایز نیست.۴- چون عزاداری بر حسین، همواره با لعن یزید همراه است و از طرفی یزید، خلیفه مسلط به بلاد اسلامی بود و لذا پیشوایان دین با اتفاق نظر، لعن او را حرام می دانند، پس عزاداری بر حسین بن علی صحیح نیست.ابن تیمیه پس از ذکر پاره ای از اظهارات الحادی پیرامون قیام، چنین اظهار نظر می کند: «فلیعلم المسلمون ان-الکباء علی الحسین یعقیده أنّه قتل مظلوماً و عدواناً لعو بل کفر و یوجب الخروج عن الاسلام؛ مسلمانان باید بدانند که گریه کردن بر حسین به دلیل این که او مظلوم و از راه دشمنی کشته شد، لغو، بلکه کفر است و موجب خروج از دین اسلام می شود.»پس از ابن تیمیه، تعدادی از پیروان او نیز سیره و سلوک او را در پیش گرفتند.«محمد بن عبدالوهاب» مؤسس فرقه وهابیت در یکی از کتاب های خود به نام «الرد علی الرافضه» به مسئله سوگواری بر امام حسین پرداخته است. وی می گوید: «عزاداری برای امام حسین (ع) کفر و خارج شدن از دین است. عزاداری برای حسین (ع) بدعت است و باید از آن جلوگیری شود.»محمد بن عبدالوهاب در این باره به سخن استاد فکری خود ابن تیمیه استنادمی کند و می گوید: «شیخ الاسلام ابوالعباس تقی الدین احمد ابن تیمیه می گوید: عزاداری برای حسین از بدعت ها و

منکرات و اعمال قبیح و زشت و خلاف شرع است و برگزار کنندگان این مراسم ها باید توبه داده شوند و اگر توبه نکنند، باید کشته شوند.»«شیخ عبدالرحمن آل شیخ» (نوه محمد بن عبدالوهاب) در کتاب «فتح المجید»که بر ضد شیعه نوشته شده می گوید: «شیعه قائل به عصمت ائمه است. قائل به قاعده حسن و قبح عقلی است، قائل به استغاثه به ائمه است. قائل به جواز زیارت قبور ائمه است. قائل به جواز سوگواری در ایام وفات ائمه و مخصوصاً سوگواری برای امام حسین است.»با توجه به آنچه ذکر شد، باید دید که آیا عزاداری بر امام حسین (ع) از سنت های شیعیان است؟ یا دیگر فرقه های اسلامی نیز به آن اهتمام دارند؟ هم چنین باید روشن شود که سوگواری بر امام حسین بر چه مبنای دینی استوار است؟ و آیا دلایل ابن تیمیه بررد سوگواری امام حسین (ع) از مبنای علمی، تحقیقی و غیر مغرضانه برخوردار است یاخیر؟پیش از وارد شدن به اصل بحث، بی مناسبت نیست که نگاهی گذرا به اصل«عزاداری برای فقید» از منظر کتاب و سنت بیفکنیم.

عزاداری بر فقید از منظر قرآن

آیاتی از قرآن کریم، سوگواری بر فقید را با صراحت تمام تأیید می کنند. در این آیات سوگواری بعضی از پیامبران در فقدان دوستان و عزیزانشان بازگو شده است.روشن ترین آیاتی که از سوگواری پیامبری در فقدان دیگری سخن می گوید، آیات ۸۴ تا ۸۶ سوره مبارکه یوسف است. این آیات در ضمن توصیف حالت یعقوب پس از فقدان یوسف، تأثر شدید و حزن زاید الوصف و گریه شدید یعقوب را با بیان زیر ترسیم می کند: (و تولی عنهم و قال یا أسفی علی یوسف و ابیضَّت ْعیناه ُمن الحزن فَهُوَ کظیم ٌ

قـالوا تـا الله تَفْتَوا تـذكُرُ يوسُف َحتّى تكون َحَرَضـاً اَوْ تكون َمن الهلكين قـال انّما اَشـكُو بثّى و حزنى الى الله و اعلم من الله ما لاتعلمون).یعقوب از فرزندان خويش روى برگرداند و گفت: بر فراق يوسف متأسـفم و چشـمانش از اندوه سـفيد شد. و اندوه خود را فرو مى خورد. فرزندان يعقوب گفتند: به خدا سوگند تو آن قدر به ياد او هستى تا اين كه بيمار شوى يا بميرى يعقوب گفت: شـرح انـدوه و پريشانى خود را تنها با خداى خويش، شـكايت مى برم و من از رحمت خدا مى دانم، آنچه را شـما نمى دانيـد.عمر عبدالسـلام از محققـان اهل سنّت و جماعت مشـروعيت گريه بر فقيـد را از ديـدگاه قرآن كريم، آشكارا و روشـن دانسـته و براى اثبات آن به دو آيه ياد شـده اسـتدلال مى كنـد.«ان َفى القرآن الكريم و السـنه المتواتره شواهـد جليه على جواز البكـاء على الفقيـد و اوضـح مـا ورد فى القرآن الكريم وضـعه تعالى حاله يعقوب (ع) - بعـد ضـياع يوسف (ع) - منه اخباره اذ يقـول تعـالى...؛ در قرآن كريم و سـنت متواتره بر جواز گريه كردن بر فقيـد، شواهـدى آشكار است و در قرآن كريم، واضـح ترين چيزى كه (بر جواز گريه بر فقيـد) وارد شده است، اين است كه خداى تعالى پس از فقدان يوسف و قطع شدن گزارشـى از اوضاع حالت يعقوب را با بيان زير منعكس مى كنـد...»آن گاه آيات ياد شـده را ذكر كرده است.آشـنايان به كتاب و سـنت مى دانند كه يعقوب در فراق فرزندش يوسف، شب و روز مى گريست. سوگوارى او در فراق فرزندش به قدرى شديد بود كه بينايى خود را از دست داد. بيمارى و فقدان بينايى يعقوب مايه فراموشى يوسف

نگردیـد، هرچه وعـده وصال نزدیکتر می شد، آتش عشق و محبت یعقوب به فرزند دل بندش یوسف، شعله ورتر می گردد و لـذا به نص ّقرآن کریم بوی یوسف را از فرسنگ ها راه، استشمام می کرد.(اِنّی لاجِد ریح َیُوسُف لَوْلاَ تُفَنِّدون)؛ «اگر به من نیرنگ نزده باشید، من بوی یوسف را استشمام می کنم.»از این رو، به جای این که یوسف به دنبال پدرش راه بیفتد، خورشید جمال یعقوب به دنبال ستاره گم شده خود: یوسف، به سرزمین مصر حرکت می کند. قرآن کریم در حین بازگو کردن شرح حال یعقوب نه فقط انتقادی به یعقوب نمی کند بلکه تاثر و اندوه او را، برای آگاهی انسان ها در همه نسل ها منعکس می نمایـد.بی تردید، اگر این پیامبر بزرگوار در میان وهابی های امروز در سرزمین عربستان می بود، درباره او چگونه داوری می کردند؟ یا اگر در زمان ابن تیمیه می بود، یقیناً در باور و پندار او جزء مشرکان قرار می گرفت.

عزاداری بر فقید از نگاه سنت

اخبار و احادیث متواتر نبوی که از فراسوی «وحی» تراویده و از سرچشمه زلال (ماینطق عن الهوی ان هو الّا وحی یوحی) جوشیده و از گفتار و رفتار آن بنی رحمت سخن می گویند و نیز روایت هایی که از اهل بیت مطهر پیامبر خدا و صحابه مکرم آن حضرت در زمینه «تشریع سوگواری برای متوفا و شهدای ارجم اند اسلام» به ما رسیده، بی شمارند. محدثان و راویان اخبار و احادیث، هر یک در «صحاح» و «سنن» و «موسوعات» روایی خویش، در این زمینه به صورت متواتر نقل حدیث کرده انـد.عمر عبدالسلام، در کتاب خود به نام «مخالفه الوهابیه للقرآن و السنه» طیف بی شماری از این روایت ها را از منابع گوناگون، روایی از پیامبر و اهل بیت مطهر و

صحابه آن حضرت گرد آورده است که خوانندگان می توانند به این منبع مراجعه کنند.ما نیز در حد گنجایش این نوشتار، دسته ای از روایت ها را در جهت اثبات «جواز سوگواری در وفات» که از منابع اهل سنت تحقیق کرده ایم، در این جا یاد می کنیم: مسلم در صحیح خود روایت می کند: «النبی ء (ص) زار قبر امه وبکی و ابکی من حوله؛ پیامبر، مرقد مادر گرامی خود را زیارت کرد، آن گاه گریست و کسانی را که در اطراف آن حضرت بودند به گریه آورد.»در صحیح بخاری باب جنائز و سنن بیهقی جزء چهارم چنین آمده است: «ان رسول الله بکی فی موت ابراهیم فقالوا یا رسول الله تبکی و انت رسول الله؟ قال: انّما انا بشر تَدْمَع العین و یخشع القلب و لانقول ما یسخط الرب؛ همانا پیامبرخدا (ص) در مرگ پسرش ابراهیم گریه کرد. اصحاب گفتند: ای پیامبر خدا، آیا شما پیامبر خدا نیستید که گریه می کنید؟ حضرت فرمود: من هم مثل شما بَشرم، چشم ادمی گریه می کند و قلب هر انسانی نرم می شود و من چیزی را که موجب غضب پروردگار گردد، نمی گویم.»جمعی از محدثان، چون «ابن شبه» در «تاریخ مدینه المنوره»، «سید نورالدین سمهودی» در «وفاء الوفا» و «ابن حجر» در «الاصابه» بیهقی در کتاب «الجنائز» از «سنن» خود و ابن ماجه نیز در کتاب «الجنائز» از «سنن» خود روایت کرده اند: «و ورد انّه (ص) قال مخاطباً رقیه بعد موتها: الحقی بسافنا الخیر عثمان بن مظعون قال: و بکی النساء فجعل عمر یضربهن بسوطه فاخذ النبی (ص) بیده و قال دعهن ّیا عمرو قال: و ایّا کن َّو نعیق الشیطان فأنّه مهما یکن من العین و

القلب فمن الله و من الرحمه و مهما یکن من اللسان و من الید فمن الشیطان.قال: فبکت فاطمه علی شفیر القبر فجعل النبی (ص) یمسح الدموع عن عینیها بطرف ثوبه؛ روایت شده است که پس از فوت رقیه، دختر گرامی پیامبر، در حالی که پیامبر او را مخاطب قرار داده بود، فرمود: به سلف نیک ما پیوستی. عثمان بن مظعون، روایت کرده است که زن ها گریه می کردند، آن گاه عمر بن خطاب با تازیانه خود، آنان را می زد (تا از گریه کردن باز دارد) پیامبر خدا با دست مبارک خود او را گرفت و فرمود: ای عمر! آنان رابه حال خودشان واگذار. و فرمود: از فریادهای شیطان بپرهیزید، همانا گریه کردن هرگاه ازچشم و قلب نشئت بگیرد، پس از سوی خدا و رحمت است و هرگاه از زبان و دست سرچشمه گیرد از سوی شیطان است. عثمان بن مظعون گوید: فاطمه (س) در کنار قبررقیه گریه کرد و پیامبر اشک های چشم فاطمه را با گوشه پیراهن خود پاک می کرد.»از روایت های یاد شده، چنین استفاده می شود که پیامبر خدا در مرگ هر یک ازنزدیکان خود، چون مادر گرامی و پسر و دختر خودش، شدیداً می گریسته و در مرگ پسرش ابراهیم، تصریح کرده است که هر بشری گریه می کند. پس اگر پیامبر خدا درزمان ابن تیمیه و یا وهابیان امروز زندگی می کرد قطعاً از سوی آنان به بدعت گذاری وشرک متهم می شد.«ابن سعد» در «طبقات» و «ابن اثیر» در «کامل» و «احمد بن حنبل» در «مسند»، مسند عبدالله بن عمر، از عبدالله بن عمر روایت کرده اند: «ان الرسول (ص) قال بعد استشهاد حمزه: فحمزه لابواکی له، فجاء نساء الانصارالی باب رسول

الله فبکین علی حمزه فدعا لهن رسول الله (ص)؛ پس از شـهادت حمزه (سیدالشـهدا) پیامبر خدا فرمود: حمزه هیچ گریه کننده ای نـدارد. پس زنـان انصـار به درخـانه رسـول خـدا، آمدنـد و برای حمزه به سوگـواری پرداختنـد و پیـامبر خـدا در حق آنـان دعاکرد».از این روایت به روشـنی اسـتفاده می شود که پیامبر خدا، عزاداری برای شخصیتی چون حمزه را مهم و دارای فضیلت می شـمرده و گرنه هیـچ گاه از این که حمزه گریه کننده ای ندارد، افسوس نمی خورد و از سوی دیگر در حق زنان انصار که برای حمزه گریه کرده بودند، دعا نمی کرد.و نیز عبدالله بن عمر گوید: «ما رأینا رسول الله (ص) باکیاً اشد من بکائه علی حمزه بن عبد المطلب؛ ما هیچ گاه ندیدیم که پیامبر خدا به اندازه ای که در شهادت حمزه گریه کرد، گریه کند.»ظاهراً در استحباب و فضـیلت سوگواری و عزاداری برای شـخص متوفا و شهید تردیدی باقی نمی ماند و بیش از این نیازی به ذکر روایت از پیامبر خـدا نخواهـد بود».روایت دیگری در کتب حـدیثی آمـده است که پس از ارتحال جان گـداز پیامبر، فاطمه زهرا دخت گرامی حضـرت گریه می کرد و می گفت: «یـا ابتاه اجاب ربّاً دعاه یا ابتاه جنه الفردوس مأواه یا ابتاه الی جبرئیل لعتاه یا ابتاه من ربه ما أدناه؛ای پـدر بزرگواری که خداونـد دعوت او را اجابت کرد، ای پدری که جنه الفردوس جایگاه او قرار گرفت؛ ای پدر من، تو آن کسـی هستی که به جبرئیل دیگر ملاقات نداری، ای پدر من، تو آن کسـی هستی که به خدای خویش نزدیک شدی».و نیز در صحیح مسلم آمده است: «ان ّعائشه ذکر لها ان عبدالله بن عمر یقول ان

المیت لیعذب ببکاء الحی فقالت عائشه یغفر الله لابی عبدالرحمن، اما انه لم یکذب ولکنه نسی او أخطأ انّما مرّ رسول الله (ص) علی یهودیّه یبکی علیها فقال: انّهم یبکون علیها و انهالتعذب فی قبرها؛ به عایشه گفتند که عبدالله بن عمر می گوید: با گریه زنده ها، میت در قبر عذاب می شود.عایشه گفت: خداوند ابوعبدالرحمن (عبدلله ابن عمر) را ببخشد، او دروغ نمی گوید ولی اوفراموش یا اشتباه کرده است (اشتباهاً از روایت پیامبر خدا سوء برداشت کرده است) روزی پیامبر خدا بر زن یهودیه متوفائی گذشت که دیگر یهودیان بر او گریه می کردند. پیامبر فرمود: این ها (یهودیان) برای او گریه می کنند در حالی که او در قبر خود عذاب می شود.یعنی او به کفر اعمال و اعتقاد خود، عذاب می شود و این ها از دوری او گریه می کنند.»مطالب فشرده ای که تاکنون عنوان شد، گذری اجمالی بر اصل فضیلت و استحباب «سوگواری» برای فقید بود. و اکنون مناسب است، در خصوص عزاداری برای سرور شهیدان و سید مظلومان حضرت امام حسین (ع) مطالبی مستند به کتاب های معتبر شیعه و سنی بیان گردد.

دلالت سنت بر سوگواری بر امام حسین علیه السلام

از روزی که پیشوای آزادگان حضرت امام حسین (ع) با یاران و اهل بیت خود، در سرزمین کربلا و با لب تشنه در کنار آب فرات به صورت مظلومانه و به طرز فجیعی، به شهادت رسیدند، قاطبه امت اسلامی از سنّی و شیعه عزادار بوده و از آن روز تاکنون که در حدود چهارده قرن، سپری می شود، نه تنها از تپش قلب امت اسلامی، چیزی کاهش نیافته و آتش این ماتم فرو ننشسته که هر چه از تاریخ آن بیشتر می گذرد، داغ عزای حسین بن علی (ع) گسترش بیشتر

و آتش مصیبت آن حضرت، در دل ها مشتعل می شود، چنان که شاعر می گوید: زان تشنگان، هنوز به عیوق می رسد آواز العطش ز بیابان کربلاسرّ این حقیقت بر هیچ مسلمان مومن و متعهد پوشیده نیست. گذشته از این که امام حسین (ع) با قیام و شهادت مظلومانه خود، آیین تابناک اسلام را از فنا و نابودی مطلق، نجات داد با تبرئه شریعت توحیدی محمد (ص) از اعمال یزید و دیگر حکّام اموی صف مسلمانان را از یزیدیان جدا کرد.گریه در عزاداری امام حسین (ع) جزء ایمان و اعتقادات امّت اسلامی قرار گرفته است؛ زیرا، این امّت در روایت های متواتر و پرشماری از پیامبر خدا (ص) چونان که وجوب حج و جهاد و روزه و... شنیده اند، گریه بر حسین را نیز از گفتار و رفتار آن گرامی شنیده اند، مسلمانان به خوبی می دانند که پیامبر خدا با «اخبار جبرئیل» هم خود بر «شهادت» و «مظلومیت» حسین گریه می کرد و هم مسلمانان را به گریه بر آن حضرت، فرا می خواند، پس گرچه بر امام حسین (ع) اطاعت از دستور «قولی» و «فعلی» رسول خدا است.این که به بعضی روایت هایی که از طریق شیعه و سنّی در این زمینه، از پیامبر گرامی اسلام و نیز اهل بیت آن حضرت و دیگر پیشوایان اسلامی، رسیده در حدّ نیاز این نوشتار، به صورت اجمال و گذرا، اشاره خواهیم کرد.نخست به نقل دسته ای از روایت ها که از طریق اهل سنت، نقل می شود می پردازیم، سپس روایت هایی را از طریق شیعه یاد می کنیم

روایت های اهل سنت در عزاداری امام حسین علیه السلام

عمر عبدالسلام از محققان معاصر اهل «سنت» و «جماعت»، پس از استدلال به آیاتی از قرآن در زمینه عزاداری برای امام

حسین (ع) به وجود روایت های متواتر در این موضوع اشاره کرده است و گوید: «و هم چنین سزاوار است که اشاره کنیم به روایت های متواتری که بر خبر دادن «جبرئیل» از شهادت حسین (ع) از "اهل بیت و ذوی القربی" دلالت می کنند. من از این دسته از روایت ها در حدود دویست روایت را برشمردم. بعضی از این روایت ها در (کتاب)«اسد الغابه» ج ۱ ص ۳۴۹، نوشته ابن اثیر و بعضی دیگر در کتاب «الکامل» ج ۴ ص ۹۳ ونیز در کتاب «البدایه و النهایه» و بعضی دیگر در «المعجم الکبیر» ج ۳ ص ۱۱۳ و ج ۴ص ۱۱۵ نوشته طبرانی و بعضی دیگر از آن روایت ها در «فواید السمطین» نوشته جوینی و نیز در مسند «احمد ابن حنبل» مسند «علی ابن ابی طالب» ج ۱ ص ۸۵ و نیز منابع دیگر، ذکر شده است.»عمر عبدالسلام از باب نمونه، به بعضی از آن احادیث اشاره می کند و می گوید: «از جمله این روایت ها، روایت اسماء بنت عمیس است. اسماء گوید: رسول خدا فرمود: ای اسماء، گروه ستم گری که خداوند آنان را از شفاعت من بی نصیب می داند، فرزندم حسین را می کشد.»حدیث عایشه یکی دیگر از آن روایت ها است که گوید: «بیَّنا رسول الله (ص) راقد اذ جاء الحسین یحبوا الیه فنهیته عنه ثم ٍقمت لبعض امری فدنا منه، فاستیقظ رسول الله و هو یبکی! فقلت: ما یبکیک؟ قال ان جبرئیل ارانی التربه التی یقتل علیها الحسین، فاشتد غضب الله علی من سفک دمه...؛ «روزی پیامبر خدا (ص) در خواب بود، هنگامی که حسین (ع) آمد به سمت آن حضرت رفت و من مانع از نزدیک شدن او به پیامبر گردیدم، سپس از جا بلند شدم تا

کارم را انجام دهم، حسـین نزد پیامبر رفت، سـپس پیامبر (ص) از خواب بیـدار شد، در حالی که گریه می کرد. گفتم: چه چیز شما را به گریه آورده است؟ پیامبر فرمود: جبرئیل، تربتی را به من نشان داد که حسین برآن کشته می شود پس غضب خداوند بر کسـانی نـازل خواهـد بـود که خون حسـین رامی ریزنـد.»و نیز؛ «ابن اثیر در «اسـد الغـابه» از انس بن حـارث بن «ابیه» و او از پدرش روایت کرده است که گوید من خود شـنیدم که پیامبر خدا در حالی که حسین در دامنش بود، می فرمود: این پسرم در سرزمینی که به آن عراق گفته می شود، به قتل می رسد پس هرکس او را درک کند، باید به یاری اش بشـتابد.»آنچه یاد شد، برخی از روایت هـایی بود که عمر عبدالسـلام در کتـاب خود برای نمونه به آن اشاره کرده است و برای توضـیح بیشتر بایـد به همـان مـدرک مراجعه شود.ابن اثیر این روایت را در کتـاب دیگر خود به نـام «البـدایه و النهـایه» از بغوی بـا انـدکی تفـاوت با روایت قبلی نقل کرده و آن این است: «قال الصـحابی انس بن الحارث: سمعت رسول الله یقول: ان-ابنی هذا... یعنی الحسین – یقتـل بـارض یقال لها کربلا ضـمن شـهد منکم ذلک فلینصـره؛ انس بن حارث صـحابه پیامبر گفت: شـنیدم که پیامبر خـدا می فرمود: همانا این پسـر من (یعنی حسین) به سرزمین که کربلا نام دارد کشته می شود پس هر کس از شما او را درک کند باید به یاری او بشتابد.»احمد ابن حنبل در مسند خود روایت کرده است که علی (ع) در راه خود به «صفین» از کربلا گذشت. پس صدا زد:

«یا اباعبدالله! (ای حسین) در کنار شط فرات، صبر کن! آن گاه فرمود: روزی در محضر رسول خدا، بودم، چشم های آن حضرت پر از اشک بود.گفتم ای پیامبر خدا چه چیز شما را به گریه آورده است؟ حضرت فرمود: لحظه هایی پیش جبرئیل در نزد من بود و به من گفت: حسین (ع) در کنار «شط فرات» کشته می شود و به من گفت: آیا تربت او را، استشمام می کنی؟پیامبر فرمود: آن گاه جبرئیل دست خود را دراز کرد و مشتی از خاک را به من داد و من هیچ اختیاری از چشمم ندارم، جز این که اشک می بارد.»احمد ابن حبنل در مسند خود روایت می کند: «از ابن عباس روایت شده است که گفته است: روزی در محل شهادت حسین (ع) بودیم، پیامبر خدا را نصف روز در خواب دیدم در حالی که سر و صورتش پر از گرد و غبار بود، شیشه ای در دست آن حضرت بود که در آن شیشه خون جاسازی شده بود، پس گفتم: ای پیامبر خدا، پدر و مادرم فدای شما این چیست؟ حضرت فرمود: این خون حسین و اصحاب حسین است که از امروز تا همیشه می جوشد.» ابن عباس گوید: ما آن روز را شمردیم و روز قتل امام را پیدا کردیم.»این قسمت از این فصل را با نقل روایتی از یکی از محدثان اهل سنت توسط مرحوم علامه امینی به پایان می بریم، پوشیده نیست که علامه امینی از فرهیختگان و صاحب نظران شیعه است ولی چون روایت مورد نظر را از منابع اهل سنت ذکر کرده، ماهم در این ردیف به نقل آن مبادرت می ورزیم. علامه امینی در کتاب خود به

نـام «راه مـاراه و روش پیامبر ما ست» روایت های زیادی را از منابع معتبر اهل سـنت در زمینه سوگواری بر امام حسـین نقل می کند.علامه امینی صاحب الغدیر در کتاب خود به نام «راه ما راه و روش پیامبر ماست».در ضمن انعکاس دیدگاه صاحب نظران اهل سنت در زمینه عزاداری امام حسین (ع) می گوید: «و شاید بتوان گفت که تجدید یاد بود در «میلاد» و «مرگ و میر» اعیاد بزرگ نهضت هـای دینی و ملّی، حوادث اجتماعی جهانی، و وقایع مهمّی که در بین ملّت ها رخ می دهـد، با عنایت به شـماره سـال هـایی که از حـدوث آن وقـایع مهم تـاریخی می گـذرد و سـال گرد آن را روز جشن و سـرور یا خون و سوگواری قرار دادن، از شـعائر و رسـوم دیرینـه ای اسـت کـه طبـع بشـری و افکـار شایسـته آن را در ملـل و امم گذشـته پی ریزی کرده و قبل ازجاهلیت و بعد از آن، هم چنان که تا این زمان، متداول ساخته است.این «اعیاد» یهود و نصاری و عرب قبل از اسـلام و بعد از اسلام است که تاریخ در صفحاتش ضبط نموده و گویا این سنّت، از تمایلات انسانی است، که از عوامل حب ّو عاطفه، ناشی می گردد و از سرچشـمه حیاتی، آبیاری می شود و شاخ و برگی است، که از اصول احترام و تقدیر و تحسـین و بزرگ داشـت رجال دین و دنیا و قهرمانان بی نظیر و بزرگان امّت، منشـعب می شود و منظور از آن، زنـده داشـتن خاطره و جاویـدان ساختن نـام چنین مردانی است که در آن، فوائـد تـایخی و اجتمـاعی بوده و برای نسل های آینـده وعبرت و دسـتورالعمل مفیـد و موثر است و در

آن تجارب و آزمایش هایی است که موجب بیداری ملت هاست (و این سنت)، اختصاص به یک گروه و ملّتی ندارد.آری، روزهای تاریخی از حوادث مهم و پیشامدهای ناگواری که در آن ها رخ داده، نورانیت و بهجتی کسب می کند که در میان سایر روزها به کرامت و عظمت نشان دار شده و از خوبی و بدی آن حوادث، کسب سعد و نحوست کرده و رنگ آن حوادث را به خود می گیرد.و تاریخ تاکنون روز را نشان نداده که حادثه واقع در آن، از حادثه محرّم (روز نهضت مبارک حسینی) - که هر مسلمان با غیرت شرافت مند آزاده به آن افتخار می کند - بزرگ تر و مهم تر و مصیبت بارتر باشد، و در آن درس های عالی است که در مدرسه توحید و عبادت، کلاس نهایی از حکمت عملی به حساب می آید، چنان که ترسیمی که عاشورا از آزادگی و بلندی همّت، جان بازی در راه خدا کرده، زیباترین ترسیم و کامل ترین و روشن ترین تصویر است (عاشورا) اقدام مثبتی است در برانداختن و ریشه کن نمودن مشکلات فساد و تباهی از مسیر صحیح انسانیت.(عاشورا) اقدام مثبتی است در فاصله گرفتن و بیزاری جستن از رذائل و پستی ها. (عاشورا) اصل محکمی است در شکستن شوکت ستم گران و واژگون ساختن پرچم های شرک و نفاق، و درهم کوبیدن تجاوز ستم گران و رهایی بشر از اسارت نفس چیره.(عاشورا) مثبت ترین عملی است در برافراشتن کلمه توحید کلمه حقیقت و راستی، کلمه زندگی سعادت مند و مقام عالی انسانی (و تمّت کلمه ربّک صدقاً و عدلاً لامبدّل لکلماته).پس سزاوارترین روزی که تا ابد الدّهر - در جبین تاریخ - برای امت محمد (ص)زنده و تازه و درخشان باقی می ماند، روز حسین

- بضعه رسول الله - و پاره ای از گوشت و خون پیامبر و جگر گوشه و نور چشم وی، و گل خوش بوی او در زندگانی دنیاست که حقاًبایستی آن روز را بزرگ ترین روز خدا - روزی که قبل از هر کس به خدا منصوب است - و روز پیامبر خدا و روز عید قربان رسول خدا و «ذبح عظیم» آن حضرت دانست.«ابوالمؤید موفق خوارزمی حنفی» که در سال ۵۶۸ ه.ق وفات یافته است - در جلد اوّل کتاب خود «مقتل الامام السبط الشهید» که معروف و متداول است، در صفحه ۱۶۳ آورده است: «بعد از آن یک سال تمام، از ولادت «حسین» گذشت، دوازده فرشته سرخ رو، بررسول خدا نازل شدند و در حالی که پر و بال خود را گسترده بودند، چنین گفتند: ای محمّد!بر سر فرزندات - حسین - آن خواهد آمد که از ناحیه قابیل بر سر هابیل آمد و خداوند نظیر پاداشی را که به هابیل داد به او خواهد آمد و نظیر کیفری را که به قابیل داد، به قاتل او می دهد. پس اضافه کرده است: هیچ فرشته ای در آسمان نماند، مگر این که بر رسول خدا نازل شد و او را سر سلامتی داده و به پاداشی که از طرف خدای تعالی به وی عطا می شود، آگاه می ساخت و تربت «حسین» را به آن حضرت عرضه می داشت و آن جناب می گفت: بارالها! دچار خذلان کن، آن کسی را که حسین مرا یاری نمی کند و بکش آن کسی را که او را می کشد و او را از آرزوهایش بهره مساز!بعد از آن که دو سال تمام از میلاد حسین گذشت، رسول خدا برای سفر

بیرون رفت وقتی مقداری راه پیمود، ناگهان ایستاد و با چشم گریان گفت: «انّا لله و انا الیه راجعون» سبب پرسیدند: فرمود: این جبرئیل است مرا از سرزمینی در کنار فرات خبرمی دهد که اسمش «کربلا» است. فرزندم – حسین بن فاطمه – در آن جا کشته می شود.پرسیدند: چه کسی او را می کشد؟ فرمود: مردی به نام یزید – که خداوند وجود وی را بی برکت گرداند و گویا هم اکنون اقامت گاه و دفن او را در آن سرزمین می بینم، در حالی که سرش را به ارمغان می برند. به خدا سوگند! کسی از دیدن سر فرزندم حسین خوشحال نمی شود مگر آن که خداوند او را دچار نفاق نموده و میان قلب و زبانش مخالفت می افکند؛یعنی، ایمانی را که به زبانش ادعا می کند، در دلش نمی ماند»و نیز ابوالمؤید اضافه می کند: «سپس رسول خدا از این سفر برگشت و در حالی که غمناک بود، به منبر رفت و در ضمن این که حسن و حسین در مقابلش قرار داشتند، برای مردم خطبه ای ایراد نمود و موعظه کرد، بعد از فراغت از خطبه، دست راست خود را بر سر حسین نهاده و سر را به سوی آسمان برداشت و عرض کرد: بار الها من بنده تو و پیامبر تو محمّـدم و این دو کودک پاکان عترت منند و برگزیدگان ذرّیّه من نسل منند که بعد از خود باقی می گذارم. بار الها! جبرئیل به من خبر آورده که این فرزندم – حسین – بی یار و یاور کشته خواهد شد، پروردگارا کشته شدن او را برای من مبارک گردان و او را از سادات شهیدان – قرار ده که تو بر هر چیز توانایی. پروردگارا در

قاتل او و کسی که یاری اش کند، مبارکی و میمنت قرار مده.»آن گاه ابوالموید می گوید: «مردم در مسجد – وقتی این کلام را شنیدند – یک پارچه گریه سر دادند، حضرت فرمود: آیا گریه می کنید، ولی یاری اش نمی کنید؟ پروردگارا! تو خودت ولی ّو یار او باش.»سپس ابوالموید خطبه ای را که آن حضرت بعد از مراجعت از سفرش و چند روز قبل از وفاتش ایراد کرده بود از «ابن عباس» نقل می کند و شاید خطبه مزبور بعد از مراجعت از «حجّه الوداع» بوده است و به هر حال عبارات آن خطبه به آن چه ما نقل کردیم، نزدیک است.»و چه بسا این گمان به ذهن بیاید و گمان مردم تیز هوش، عین یقین است. که همان تکرار سوگواری هایی که رسول خدا (ص) در خانه همسرانش برپا می داشت، بر اثر فرار رسیدن سال روز میلاد و یا سال گرد شهادت سبط پیامبر – حسین سلام الله علیه – و یا بر اثر هر دو بوده است.(سنّه الله فی الذین خلوا من قبل ولن تجد لسنّه الله تحویلا)روایت هایی که ذکر شده و صدها روایت دیگر که در این نوشتار نمی گنجد، از منابع معتبر و اعتمادشدنی محدثان و صاحب نظران فرهیخته اهل سنّت، نقل شده است.حال جای این پرسش باقی می ماند که در تعیین تکلیف مسلمانان در امر عزاداری برای سید آزادگان حضرت امام حسین (ع)، دستورهای پیامبر خدا که با تواتر نقل می شود، پذیرفتنی است و یا القای آن گم راه کننده ابن تیمیّه خبیث و ملحد؟ پاسخ بر کسی پوشیده نیست.

دلالت روایت های شیعه به «سوگواری برای امام حسین علیه السلام»

روایت های شیعه که از پیامبر عظیم الشأن اسلام و دیگر پیشوایان معصوم شیعیان و دودمان نبوت در

باب«فضیلت سوگواری و عزاداری» برای سیّد شهیدان، پیشوای آزادگان حضرت ابا عبدالله الحسین» نقل شده بی شمارند. و در این جا از باب نمونه به ذکر روایت های محدود و کوتاه بسنده می کنیم: در مناقب از ابن عباس نقل شده که رسول خدا (ص) را در عالم رؤیا، بعد از کشته شدن سید الشهدا دید، در حالی که گرد آلوده و پا برهنه و گریان بود. دامن پیراهن را بالا کرده و به دل مبارک چسبانیده، مثل کسی که چیزی در دامن گرفته باشد، و این آیه را تلاوت می نمود: (و لا تحسبن َّالله غافلاً عمّا یعمل الظالمون)و فرمود: رفتم به سوی کربلا ـ و جمع کردم خون حسینم را از زمین و اکنون آن خون ها در دامن من است و من می روم برای آن که مخاصمه کنم با کشندگان او نزد پروردگار.و در روایتی آمده است که «داخل شدم بر ام سلمه (رضی الله عنها) در حالی که می گریست، پس پرسیدم از او که برای چه گریه می کنی؟ گفت: برای آن که دیدم رسول خدا (ص) را در خواب و بر سر و محاسن شریفش اثر خاک بود گفتم: یا رسول الله برای چه شما غبار آلود هستید، فرمود در نزد حسین بودم هنگام کشتن او و از نزد او می آیم.»و در روایت دیگر از مرحوم شیخ عباس قمی (ره) آمده است که: «صبح گاهی بود که ام‌سلمه می گریست، سبب گریه را پرسیده اند، خبر شهادت حسین (ع) را داد و گفت: ندیده بودم پیغمبر (ص) را در خواب، مگر دیشب که او را با صورت متغیّر و با حالت اندوه ملاقات کردم سبب آن حال را از او پرسیدم فرمود امشب حفر

قبور می کردم برای حسین و اصحابش.»شیخ عباس قمی می نویسد: «و از جامع ترمذی و فضایل سمعانی نقل شده که ام سلمه پیغمبر خدا (ص) را در خواب دید که خاك بر سر مبارك خود می ریخت، عرضه داشتم که این چه حالت است، فرمود: از کربلا می آیم».و در جای دیگر است که آن حضرت گرد آلود بود و فرمود: از دفن حسین فارغ شدم.شیخ صدوق در کتاب امالی روایت را از ابو عماره المنشد از امام صادق (ع) نقل می کند و می گوید: «قال قال لی: یا ابا عمّاره انشدنی فی الحسین بن علی ٍقال: فانشدتم فبکی، قال فوالله: ما ذلت انشده و یبکی حتّی سمعت البکاء من الدار، قال فقال: یا ابا عمّاره! من انشدفی الحسین بن علی (ع) فابکی خمسین، فله الجنّه، و من انشد فی الحسین شعرا، فابکی عِشرین، فله الجنّه، و من انشد فی الحسین شعراً فابکی عشره، فله الجنه و من انشده فی الحسین شعرا، فابکی واحداً، فله الجنّه، و من اشد فی الحسین شعراً، فبکی فله الجنّه و من انشد فی الحسین شعراً، فبکی فله الجنه، و من انشد فی الحسین شعراً فتباکی، فله الجنه؛ ای ابو عمّاره شعری در مرثیه حسین (ع) اشاره کن، چون آغاز مرثیه نمودم، آن حضرت بگریست، سوگند به خدا چندان بگریست، که جدران خانه با گریه آن حضرت هم آواز گشت و بانگ گریه دار را نیک بشنیدم آنگاه فرمود: ای ابا عمّاره کسی که انشا کند از مراثی حسین و پنجاه تن را بگریاند، از برای او است بهشت خدای، و کسی که قرائت کند مرثیه حسین را و سی تن را بگریاند بر وی فرض افتد و کسی که

مرثیه بگویدوده تن را بگریاند بهشت از برای اوست و کسـی که انشای شـعری کند و یک تن را بگریاند، در بهشت جای کند و کسـی که شعری گوید و خویشتن بگرید جزای خویش بهشت یابد و کسی که در مرثیه حسین انشای شعری کند و خویشتن را چون گریه کنندگان وا نماید، هم بدان از سـکنه بهشت گردد.»در رجّال کشی روایتی است که سلسله سند آن به زید شحّام می رسـد، او می گویـد: مـا جمـاعتی از اهـل کوفه در محضـر امـام صادق بودیم که جعفر بن عفّان بر آن حضـرت وارد شـد، حضـرت او را پیش خود طلبیـد: «فقال: یا جعفر! قال لبیک جعلنی الله فـداک، قال بلغنی انّک تقول الشـعر فی الحسـین و تجیّد، فقـال: نعم جعلنی الله فـداک، قـال قل نانشـدتم فبکی و من حوله حتّی صارت الـدّموع عن وجهه و لحیته ثم قال: یا جعفر! و الله لقد شهد ملائکه الله المقربون ههنا یسمعون قولک فی الحسین و لقد بکوا کما بکینا و اکثر و لقد اوجب الله تعالی لک یا جعفر فی ساعته الجنّه بامرها و غفور الله لک، فقال یا جعفر! الّا اریدک؟قال: نعم یا سـیّدی قال: ما من احد قال فی الحسین شعرا فبکی و ابکی به الاّـ اوجب الله له الجنّه و غفر له؛ صادق آل محمّـد فرمود: ای جعفر! عرض کرد جان من فـدای تو باد فرمان چیست؟ فرمود به من رسـیده است که تو در مرثیه حسـین، انشاد شـعر نیکو توانی کرد، عرض کرد چنین است. فرمود انشاد کن. لا جرم آغاز قرائت مراثی کرد، آنحضرت چندان بگریست که آب چشم مبارکش از چهره و لحیه

در گـذشت. آنگاه فرمود: ای جعفر! فرشـتگان خـدا کلمات تو را امضا نمودنـد و سـخت بگریسـتند چنانکه ما می گرییم بلکه افزون گریستند و خداوند در این ساعت بهشت را بر تو واجب گردانید. و گناهان تو رامعفو داشت آنگاه فرمود: ای جعفر هیچ خواهی این فضـیلت بر زیـادت از این باز گویم؟عرض کرد. ای مولای من! اینک روا باشـد، فرمود نیست کسـی که شـعری در مرثیـه حسـین گویـد و بگریـد یـا بگریانـد مگر آن کـه خداونـد بهشـت را بر وی واجـب گردانـد و گناهـان او را بـه جمله در گذراند».و نیز در کامل الزیاره از عبدالله بن غالب روایت شده است که گفت: «روزی در محضر امام صادق شرف یاب شدم و شروع کردم به مرثیه سرایی برای حسین (ع) چون شعر به این جا رسید: لبلیّه تسقوا حسینا بمسقاه الثری غیر التراب از پشت پرده صدای ناله و فریاد بلند شد.»ابو هارون المکفوف گوید: «خدمت ابو عبدالله امام صادق شرف یاب شدم، به من فرمود: در مرثیه جدّم حسین شعری قرائت کن. من شعری قرائت کردم، امام فرمود: اشعار را در مرثیه حسین به گونه ای قرائت کن که گویی بر سر قبر آن حضـرت هستی، آن گاه این شـعر را خواندم: «امور علی جدث الحسـین بکربلا فقل لا عظمته الزّکیه؛در کربلا به قبر حسـین گذر کن و با اسـتخوان های پاکیزه او بگو».آن حضرت سخت گریست و من خاموش شدم، سپس به من فرمود: «یکبار دیگرتکرار کن.» پس من تکرار کردم. آن گاه فرمود: «شعری دیگر بخوان» پس من این شعر را خواندم: «یا مریم قومی فاندبی مولاک و علی الحسین فاسعدی ببکاک؛ای مریم برخیز و بر مولای خود گریه

کن و بـا گریه ات بر حسـین او را یاری نما.» امام صادق سـخت گریه کرد و گریه زنان از پس پرده بالا گرفت، گاهی صـدای گریه و ناله به شـدت بالا رفت و به من فرمود؛«یا ابا هارون! من انشـد فی الحسـین، فابکی عشـره، ثم جعل ینقص واحـدا واحدا حتّی بلغ الواحـد، فقال: من انشـدّ فی الحسـین فابکی واحدا، فله الجنّه، ثم قال: من ذکره فبکی، فله الجنه؛ «ای ابا هارون، کسـی که در مرثیه حسـین شعری گوید و ده تن رابگریاند، آن گاه از این عدد یک یک کم کرد و فرمود اگر کسی در عزای حسین شعری بخوانـد و یک تن را بگریاند، بهشت بر او واجب می شود. پس فرمود: کسـی که یاد کندحسـین را و خودش گریه کند جای او در بهشت است».حال این پرسـش مطرح است، آیا در زمینه عزاداری برای سـید شهیدان حسین بن علی (ع) امام صادق که وارث علم پیـامبر بوده، آگـاه تر است یـا ابن تیمیه که خود در دفـاع از یزیـد و آل امیّه دامن همّت به کمر زده است، نظریه پـذیرفتنی تری دارد؟ آیـا در زمینه عزاداری هـا راه درست آن است که شـخص پیـامبر و وارثـان به حق علم او و چون امام باقر و امام صادق پیموده اند، یا راه و مشـرب فرقه وهابیت که سر در آبشخور ابن تیمیّه و آل امیّه فرو برده اند؟پاسخ این پرسش را به خوانندگان واگذار می کنیم.پایان

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹